



کسانی که بامداد روز ۲۸ ژانویه سال ۱۳۷۴ مطابق با ۸ بهمن سال ۱۳۵۲ روزنامه لپنانی (المحرر) را از روزنامه‌فروشی‌های بیروت ایتباع کردند، با مشاهده عنوان اصلی آن در اعماق اندیشه فرو رفتند، در بالای صفحه اول با حروفی درشت چنین نوشته شده بود: صدر بر روی حکومت ایران آتش گشوده است! در زیر عنوان آتشین مزبور از قول امام موسی صدر تصریح شده بود: روحانیت ایران در راس مبارزه علیه ظلم، جور، استبداد و تجاوز حکومت [شاه] قرار دارد. آنچه در پی می‌آید، متن کامل گفتگوی اختصاصی روزنامه المحرر لپنان با امام صدر است که پنج سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران صورت گرفته و هم اینک پس از ۲۱ سال به فارسی ترجمه و در این یادمان می‌آید. این گفتگو سند قاطع دیگری است بر این حقیقت که مراتب همدلی و همراهی رسمی و علنی امام صدر با امام راحل، جامعه روحانیت مبارز ایران و مردم خوب کشورمان در مبارزه علیه رژیم شاه، از سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب وجود داشته است. گفتگوی مزبور همچنین سندی تاریخی است که بیان می‌دارد این امام صدر بود که برای اولین بار، در شرایطی که امام خمینی در داخل و خارج از ایران، حتی از سوی نزدیکترین باران خود همچنان ایت‌الله یا اقا خوانده می‌شدند، آن بزرگوار را در سطح مهم‌ترین مطبوعات جهان عرب رسماً امام نامید و بالاخره آنچه گفتگوی یاد شده را به‌رغم گذشت سی و سه سال همچنان مهم، با طراوت و صد البته بحث‌برانگیز نگه داشته است، تأکیدات ظریف و ماهرانه امام صدر بر چهار نکته حیاتی زیر است، ضرورت ایجاد اتحاد، انسجام و همکاری میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس، مراتب همدلی و همبستگی مردم ایران با جهان عرب، ضرورت وفاداری شیعیان جهان عرب به عربیت و اوطان خود و نهایتاً ضرورت قرار گرفتن شیعیان در طلیعه نبرد جهان اسلام علیه اسرائیل.

محسن کمالیان

«جهان عرب و مبارزه روحانیت با شاه»
در گفت‌وگوی منتشر نشده‌ای با امام موسی صدر

**روحانیت در پی
اصلاح سیاسی و
اجتماعی است**

BLISSEMENT
HÉRMAL
HIEN les BAINS
RESPIRATOIRES
UMATISMES
SURDITÉS
NÉCOLOGIE
RMATOSSES
ODONTOSES



در خبرها خواندیم که برخی از روزنامه‌های ایران، در اعتراض به مواضع شما در باره مسئله «خلیج فارس»، حملات شدیدی را علیه شما آغاز کرده‌اند. واقعیت قضیه چیست؟

قصه از زمانی شروع شد که استاد «جلال کشک»، در باره موضوعات دین، مذهب و روابط عربی - ایرانی با من مصاحبه‌ای کرد که در شماره ویژه عید فطر مجله «الحوادث» به چاپ رسید. در آن مصاحبه راجع به شیعیان کشورهای حاشیه خلیج فارس، گرایش‌ها، تابعیت و مواضع آنها نیز صحبت کردیم؛ چرا که من سال گذشته به آن منطقه سفر و با شیعیان آنجا دیدار کرده بودم. آن روز در پاسخ به یکی از سئوال‌ها تصریح کردم که «شیعیان آن کشورها، عینا همان حکم شیعیان دیگر کشورها را دارند؛ یعنی به وطن خود علاقمند و وفادار هستند، بر «عروبت» خود تاکید دارند، از تمامیت کشور خود دفاع و در راه سربلندی و سازندگی آن تلاش می‌کنند». به نظر می‌رسد که این جمله، برای برخی مسئولین «اطلاعات» ایران در لبنان ناخوشایند بود. آنها سخن من را مخدوش و از طریق مطبوعات ایران حمله متمرکزی را آغاز کردند. نوع مطالب و تعابیر مطبوعات یکی بود. همین امر نشان می‌داد که منبع خبر یکی است و اخبار توسط «اطلاعات» در

اختیار مطبوعات قرار گرفته است. آنها مرا متهم کردند که تعصب عربی دارم و علیه منافع ایران در خلیج فارس اقدام کرده‌ام. زمانی نیز که دبیر کل مجلس اعلای اسلامی شیعه یادداشتی را جهت توضیح و اعتراض برای حکومت ایران ارسال کرد، مطبوعات را از چاپ آن منع کردند... البته به این حد نیز اکتفا نکردند. نامه‌ای را جعل، به من منسوب و در روزنامه‌ها منتشر کردند که طی آن چنین وانمود شده بود که گویا من دیدگاه رهبری فعلی ایران در باره بحران خاورمیانه و نیز خط‌مشی آن در قبال مسئله خلیج فارس را صحیح و منطقی می‌دانم! این در حالی است که من هرگز چنین مطالبی را نگفته‌ام و هرگز نیز نخواهم گفت.

بیهوده تلاش کردیم تا مسئله را روشن سازیم؛ اما فایده نداشت. به یاد موارد مشابهی افتادم که در گذشته مکررا اتفاق افتاد؛ از جمله وقتی سفرای کشورهای عربی و اسلامی در هنگامه جنگ اکبر به یکی از مساجد تهران آمدند که جمعیت کثیری از مردم ایران در آن اجتماع کرده بودند؛ همان مردمی که با همه احساس خود مشکلات جهان عرب را دنبال می‌کنند و برای آن دل می‌سوزانند. البته همه ملت ایران چنین هستند. در خلال این جلسه که ساعت‌ها به طول انجامید، برخی از علمای بزرگ سخن گفتند؛ آنها مواضع اعراب در جنگ را مورد تأیید قرار دادند، رزمندگان را دعا و آمادگی ملت ایران را برای حمایت و پشتیبانی از آنان اعلام کردند. جلسه‌ای بسیار باشکوه، تاریخی و در نوع خود بی‌نظیر بود. گویی ملت ایران در یک همه‌پرسی عمومی، حمایت خود را از اعراب در بحران خاورمیانه اعلام کرده بود. اما روز بعد، همه، از جمله ۱۸ سفیر کشورهای عربی، با دیدن روزنامه‌ها جا خوردند. روزنامه‌های ایران نوشته بودند: جلسه مزبور بدین جهت برپا شده است تا برای سلامتی شاه



که اخیرا از یک سو قصد جان سالم به در برده است، دعا کنند! یادآوری این واقعه و نیز وقایع مشابه دیگر، مرا متقاعد ساخت که در مطبوعات ایران، اصلاح خبر و روشنگری حقیقت، اساسا امری غیرممکن است. البته در همین جا فرصت را مغتنم می‌شمارم و از طریق صفحات روزنامه شما، «المحرر»، با صراحت اعلام می‌دارم که خبر منتشر شده، کذب محض است و به هیچ وجه صحت ندارد.

حالا که سخن در باره خلیج فارس است، با توجه به اینکه شما مدتی قبل بدان منطقه سفر کردید و با شهروندان آن نیز روابط گسترده‌ای دارید، اجازه دهید سئوال دیگری را نیز در این باره مطرح کنیم. در مورد نهضت‌های دینی موجود در منطقه که برای حل مشکلات سیاسی آن و نیز رفع تهدیدات حکومت ایران تلاش می‌کنند، چه نظری دارید؟

حقیقت آن است که ثروت‌های نهفته در خلیج فارس، موقعیت جغرافیایی آن و نیز تأثیرات مهمی که بر منطقه خاورمیانه و معادلات حاکم بر آن دارد، مطامع قدرت‌های بزرگ داخل و خارج از منطقه را حسابی برانگیخته است. این مطامع که به ظاهر ماهیت اقتصادی دارند، خیلی سریع ابعاد گوناگون سیاسی و نظامی می‌یابند. از طرفی ضعف منطقه، به توسعه مطامع یاد شده کمک می‌کند و همچنین حجم اختلافات داخلی را افزایش می‌دهد؛ به همین جهت، هرگونه حرکت اصلاحی و خیرخواهانه‌ای، چه دینی باشد و چه غیردینی، بایستی قبل از هر چیز تقویت پیوندهای برادرانه میان فرزندان خلیج فارس را سرلوحه کار خود قرار دهد تا بتواند زمینه‌های ایجاد نوعی وحدت، انسجام و همکاری را میان کشورهای خلیج فارس فراهم آورد؛ منظورم همه کشورهای منطقه خلیج فارس است. طبیعتا بالا بردن سطح زندگی شهروندان، آگاه ساختن آنها به مصالح کشورشان و نیز ترویج و تقویت ارزش‌های اصیل در منطقه، از دیگر گام‌های اساسی و لازم برای تأمین سلامت و امنیت این منطقه عزیز

هستند که هرگز نباید دست کم شمرده شود؛ زیرا این منطقه امانتی از جانب خداست؛ سند قدرت و پشتوانه امت ماست و قطعاً موجبات سربلندی و بهروزی آن را در میان سایر ملت‌ها فراهم خواهد کرد.

برخی مطبوعات مدعی شدند که ایران در جریان جنگ اکبر، کمک‌هایی را برای اعراب ارسال کرده است. آیا اطلاعات قابل اعتمادی وجود دارد که این مسئله را تأیید و یا تکذیب کند؟ اصولا از ایران بسه عنوان یک کشور اسلامی چه انتظاری می‌رود؟

من هم در روزنامه‌ها خواندم که حکومت ایران برخی کمک‌های پزشکی و اجتماعی را برای کشورهای اردن، سوریه و مصر ارسال کرده است. اما حقیقت آن است که این گونه کمک‌ها چیزی نیست که با حجم انتظارات از ایران سازگار باشد. برای اینکه ایران یک کشور بزرگ اسلامی است؛ برای اینکه ایران آن طور که اسناد نشان می‌دهد، خود در معرض مطامع و تهدیدات آینده اسرائیل قرار دارد. برای اینکه همه ملت ایران برای قداست فلسطین و جایگاه قدس اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است. برای اینکه این ملت با همه ظرفیت و امکاناتش آماده است تا برای یاری اعراب وارد عمل شود. مجموعه این مسائل بر حاکمان ایران واجب می‌سازد که لااقل صدور نفت به



مبارزات ضد استبدادی و

مشروطه‌خواهی در ایران با

رهبری عالمان دین بود که

صورت گرفت. رهبری این

مبارزات با مرجع اعلی مرحوم

آخوند خراسانی بود که در

کشاکش این مبارزات به شکلی

ناگهانی و مشکوک در گذشت

و مدفنش، هم‌اکنون در نجف

اشرف است. مبارزات عالم

بزرگوار مرحوم سید عبدالحسین

شرف‌الدین علیه استعمار فرانسه

را نیز هرگز نمی‌توانیم فراموش

کنیم

